



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خورشید شرق

نویسنده:

قاسم جلیلی همدانی

ناشر چاپی:

مجله گلبرگ

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	خورشید شرق
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۸	امام رضا علیه‌السلام در یک نگاه
۸	ازدواج
۸	موقعیت امام علیه‌السلام در مدینه
۹	عصر هارون
۹	امام رضا علیه‌السلام و امین
۹	عصر مأمون
۹	مسافر ایران
۱۰	نگین نیشابور
۱۰	خورشید مرو
۱۰	ولایتعهدی
۱۰	اهداف شوم مأمون
۱۱	مأمون و نگارش عهدنامه
۱۱	مناظرات علمی
۱۱	قیام‌ها
۱۱	شاگردان
۱۲	آثار
۱۲	اوضاع فرهنگی
۱۲	مسافر بغداد
۱۳	توطئه

۱۳	هدیه به دوست
۱۳	خبر از سر درون
۱۳	نماز اول وقت
۱۳	احترام به دوستان
۱۴	جود و بخشش
۱۴	همسفره غلامان
۱۴	فروتنی
۱۴	پرداخت بدهکاری
۱۵	نماز باران
۱۵	رهیافته
۱۵	مقام امامت
۱۶	خمس
۱۶	زکات
۱۶	صله رحم
۱۶	گناه
۱۷	نهی از شراب
۱۷	پرهیز از تهمت
۱۷	نهی از رباخواری
۱۷	همنشین
۱۸	همسایه
۱۸	آفرینش بهشت و جهنم
۱۸	لحظات وحشت
۱۸	خانواده
۱۸	پرسشگری

پیام رستگاری	۱۹
ارث زن	۱۹
بهترین و بدترین زندگی	۱۹
آرزوهای پوچ	۱۹
امام علیه‌السلام در کلام دیگران	۲۰
اعتراف دشمن	۲۰
امام جن و انس	۲۰
عجز زبان	۲۰
کلام ماندگار	۲۰
زیارت	۲۱
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان	۲۱

خورشید شرق

مشخصات کتاب

خورشید شرق (ولادت امام رضا علیه‌السلام) نویسنده: جلیلی همدانی، قاسم [به نقل از مجله گلبرگ شماره ۶۹ - آذر ۱۳۸۴] موضوع: الهیات و معارف اسلامی آذر ۱۳۸۴

اشاره

یازدهم ذی القعدة، سالروز میلاد با برکت پیشوای هشتم، خورشید تابان آسمان پرنور ایران، غریب آشنا، نگین خراسان، شهد شیرین مشهد، حضرت امام رضا علیه‌السلام است. در این روز دیدگاه رنجور و خسته امام موسی بن جعفر علیه‌السلام، به چهره‌ی دلربا و جمال نورانی فرزند نو رسیده‌اش روشن شد و صبح سپید را از پس پرده شب تاریک نوید داد. در روز جشن و سرور اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سر بر آستان باعظمت حضرتش می‌ساییم و ذرات غبار حرم پاکش را توتیای چشمان خود می‌کنیم.

امام رضا علیه‌السلام در یک نگاه

وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام در سال شهادت جد بزرگوار خود امام صادق علیه‌السلام به دنیا آمد. ایشان در دامن پرمهر و محبت پدر و مادر پاک دامن خود، مراحل رشد و شکوفایی جسمی و روحی را پشت سر گذاشت. امام رضا علیه‌السلام مدت ۳۵ سال از امامت پدر بزرگوار خود را درک کرد و از محضر نورانی حضرتش بهره‌مند شد. آن حضرت از ۳۵ سالگی امامت امت اسلامی را به عهده گرفت و در ۵۵ سالگی به شهادت رسید.

ازدواج

تاریخ ازدواج امام رضا علیه‌السلام به درستی معلوم نیست ولی همسر گرامی حضرت، سَبَّیْکَةُ یا خَیْرَان، از زنان با فضیلت عصر خود بود. در عظمت شأن و مقام ایشان همین بس که امام کاظم علیه‌السلام به یزید سَلِیْط امر کرد سلام حضرت را به ایشان برساند. نیز امام جواد علیه‌السلام تنها فرزند امام رضا علیه‌السلام از ایشان متولد شده است.

موقعیت امام علیه‌السلام در مدینه

امام رضا علیه‌السلام، هفده سال از امامت بیست ساله خود را در شهر مدینه و در کنار اهل بیت خود سپری و از آنجا امت اسلامی را رهبری و هدایت کرد. حضرت، شاگردان پدر را به دور خود جمع کرده، به تدریس و تکمیل حوزه علمیه جد بزرگوارش امام صادق علیه‌السلام پرداخت و در این راستا، گام‌های استواری برداشت. موقعیت امام رضا علیه‌السلام در مدینه، همه دانشمندان و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی حجاز را تحت الشعاع قرار داده بود. ایشان در تمام شئون مادی و معنوی، پناهگاه و مرجعی برای مردم به شمار می‌آمد و وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام خود در این باره به مأمون فرمود: «اینکه من در اینجا ولیعهد شده‌ام، از نظرم هیچ بر موقعیتم نیفزوده است؛ زیرا من در مدینه، در جایگاهی بودم که نامه‌ام به مشرق و مغرب حکومت اسلامی می‌رفت. در آنجا هیچ کس عزیزتر از من نبود و هر کس حاجتی داشت، آن را از من می‌طلبید و من هم تا حد توان نیازهای نیازمندان را تأمین

می‌کردم.»

عصر هارون

امام رضا علیه‌السلام پس از شهادت پدر بزرگوار خود، در سال ۱۸۳ قمری، به امامت رسید. مدت امامت ایشان بیست سال بود که ده سال از آن در دوران هارون الرشید گذشت. این مدت، دوران آزادی نسبی فعالیت‌های فرهنگی و علمی امام رضا علیه‌السلام به شمار می‌رود؛ زیرا هارون در این مدت چندان با حضرت کاری نداشت و ایشان آزادانه به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد. امام رضا علیه‌السلام، در این دوره توانست شاگردانی را تربیت و علوم و معارف اسلامی را توسعه دهد. مهم‌ترین علت کاهش فشار از طرف هارون، نگرانی وی از عواقب شهادت امام کاظم علیه‌السلام بود؛ زیرا اگر چه هارون تلاش فراوانی برای پنهان کردن این جنایت به عمل آورد، اما سرانجام راز این جنایت بزرگ فاش شد و باعث نفرت مردم از هارون گردید. امام رضا علیه‌السلام هم از این فرصت استثنایی استفاده کرده، امامت خود را آشکار ساخت.

امام رضا علیه‌السلام و امین

با درگذشت هارون الرشید در سال ۱۹۳ قمری در شهر طوس، فرزندش امین به خلافت رسید و به مدت پنج سال زمام امور کشورهای اسلامی را به دست گرفت. در این دوران، برخوردی میان امام رضا علیه‌السلام و مأموران عباسی صورت نگرفته است؛ زیرا دستگاه خلافت عباسی، گرفتار اختلاف‌های داخلی و نبردهای امین و مأمون عباسی بر سر خلافت بود و فرصتی برای آزار و اذیت علویان به ویژه امام رضا علیه‌السلام نداشت. امام، در فاصله سال‌های ۱۹۳ تا ۱۹۸ قمری که مصادف با حکومت امین بود، از آزادی نسبی برخوردار بود و توانست با استفاده از این فرصت، کارهای ناتمام پدران بزرگوار خود را سر و سامان داده، خدمات علمی و فرهنگی زیادی به امت اسلامی عرضه کند.

عصر مأمون

با استقرار مأمون عباسی بر تخت سلطنت در سال ۱۹۸ قمری، فصل تازه‌ای از زندگی امام رضا علیه‌السلام شروع شد. این بخش از زندگی حضرت، با ناملایمات و سختی‌های فراوانی همراه بود و فرصت هر گونه فعالیت آزادانه را از ایشان گرفت. در این دوران پنج ساله، مأمون تصمیم گرفت امام را از مدینه به شهر مرو، مقر حکومت خود آورده، ضمن استفاده از موقعیت علمی و اجتماعی شان، کارهای حضرت را زیر نظر بگیرد. مأمون ابتدا از امام به صورت محترمانه دعوت کرد تا همراه با بزرگان آل علی علیه‌السلام به مرکز خلافت بیایند ولی امام از قبول دعوت خلیفه خودداری کرد. مأمون اصرار فراوانی نمود و نامه‌های متعددی میان آن دو رد و بدل شد تا سرانجام حضرت به طرف شهر مرو حرکت کرد.

مسافر ایران

هنگامی که امام رضا علیه‌السلام خود را از سفر به خراسان ناگزیر دید، در چند نوبت کنار مرقد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حاضر شد و با وداع خویش، نگرانی و ناخرسندی خود را از این سفر آشکار ساخت. بعد از مراسم وداع با جد بزرگوار و اهل بیت خود، کاروان امام به حرکت افتاد. مسیر حرکت امام از مدینه به خراسان به گونه‌ای طراحی شده بود که از هر گونه واکنش احتمالی شیعیان و علویان به دور باشد. بر همین اساس، مأمون دستور داد حضرت را از داخل شهرهای شیعه نشین عبور نداده، احساسات و عواطف آنان را تحریک نکنند. آنان کاروان حامل امام را از شهر مدینه به بصره و از آن جا به شهر اهواز حرکت

دادند. کاروان در ادامه مسیر خود وارد فارس شد و آنجا را به قصد مرو ترک کرد. همچنین کاروانیان پیش از رسیدن به مرو، مدتی در نیشابور استراحت کردند.

نگین نیشابور

امام رضا علیه‌السلام در میان استقبال با شکوه و بی نظیر مردم نیشابور وارد این شهر شد و چند روزی در آنجا اقامت گزید. امام رضا علیه‌السلام در شهر نیشابور با نمایاندن چهره محبوب خود برای مردم ولایتمدار، در پاسخ به دو تن از علمای بزرگ شهر، حدیث سلسله الذهب را چنین روایت فرمود: «من از پدر خود و پدرم از پدران خود و آنها از پیامبر اسلام و ایشان از جبرئیل و او از خداوند متعال شنید که فرمود: کلمه توحید (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) دژ مستحکم من است. هر کس وارد دژ من شود از عذاب و کیفر الهی در امان است.» بعد از خواندن حدیث توحید، شتر امام به راه افتاد ولی هنوز دیدگان هزاران انسان شیفته به سوی او بود که ناگهان ایستاد و امام سر خود را از کجاوه بیرون آورد و کلمات جاویدان دیگری به زبان جاری ساخت و با صدای بلند فرمود: «کلمه توحید شروطی هم دارد، من از جمله شروط آن هستم.» امام رضا علیه‌السلام با این بیان، مسئله ولایت را همانند تنه‌ای بر آمده از ریشه درخت توحید معرفی کرد. در آن روز، این حدیث، به دست بیست هزار نفر نوشته شد.

خورشید مرو

کاروان حامل امام رضا علیه‌السلام، شهرها و روستاها را یکی پس از دیگری طی کرده و سرانجام پس از تحمل حدود چهار ماه سفر و گذر از مناطق مختلف، در نیمه اول سال ۲۰۱ قمری وارد شهر مرو، مرکز حکومت مأمون عباسی شد. با ورود امام به این شهر، شور و هیجان وصف ناپذیری مردم را فرا گرفت و شیفتگان مقام ولایت، با شور و احساسات پاک خود مقدم حضرت را گرمی داشتند. عبور مرکب امام از میان انبوه جمعیت که تا خارج شهر به استقبال آمده بودند، شکوهی فراوان و منظره‌ای شگفت انگیز پدید آورده بود. امام پس از طی مسیر و عبور از میان صفوف به هم فشرده مردم، در منزلی نزدیک مرکز حکومتی که از قبل آماده شده بود مستقر شد.

ولایتعهدی

چند روز پس از استقرار امام رضا علیه‌السلام در مرکز حکومت عباسی، مذاکراتی بین حضرت و مأمون آغاز شد. مأمون تظاهر کرد می‌خواهد خلافت را به حضرت واگذار کند ولی امام این پیشنهاد را نپذیرفت. مأمون که چیزی جز این از حضرت انتظار نداشت، از موقعیت پیش آمده استفاده کرده، هدف اصلی خود، یعنی واگذاری ولایتعهدی را به حضرت پیشنهاد کرد. امام باز هم نپذیرفت. مأمون از راه تهدید وارد شده و گفت: «باید پیشنهاد مرا بپذیری زیرا چاره‌ای جز این نمی‌بینم. تو همواره بر خلاف میل من پیش می‌آیی و خود را از قدرت من در امان می‌بینی. به خدا سوگند اگر از قبول پیشنهاد ولایتعهدی خودداری کنی، تو را وادار به این کار می‌کنم و چنانچه باز هم قبول نکنی، به قتل می‌رسانم.» امام به ناچار پیشنهاد مأمون را پذیرفت و فرمود: «من به شرطی ولایتعهدی تو را می‌پذیرم که هرگز در امور مملکتی و در هیچ یک از امور دستگاه خلافت همانند عزل، نصب، حکم، قضاوت و فتوا دخالت نکنم.»

اهداف شوم مأمون

یکی از ترفندهای سیاسی مأمون در مقابله با نارضایتی عمومی و فرونشاندن شورش‌ها، دعوت از امام رضا علیه‌السلام بود تا از

مدینه به خراسان بیاید و او از این راه خلافت خود را مشروعیت بخشد و با خیال آسوده حکومت کند. هدف‌هایی که مأمون در سیاست احضار امام رضا علیه‌السلام به خراسان داشت عبارت است از: ۱. زیر نظر داشتن فعالیت‌های امام و جدا کردن حضرت از مردم؛ ۲. کاشتن بذر شک و بدبینی و شایعات در مورد رهبری اهل بیت و اتهام گرایش به قدرت و سازش با حکومت؛ ۳. جلب و جذب جنبشهای علوی؛ ۴. داشتن انسانی نیرومند از نظر علمی و معنوی در دستگاه حکومتی خود برای برطرف ساختن مشکلات و تنگناها؛ ۵. در دست داشتن امام به عنوان برگ برنده در مقابل علویان دیگری که با دستگاه عباسی مخالفت می‌کردند؛ ۶. احساس خطر مأمون از طرف امام.

مأمون و نگارش عهدنامه

مأمون، عهدنامه ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام را به خط و انشای خویش نوشت و امام رضا علیه‌السلام نیز به خط شریف خود بر این عهدنامه مطالبی اضافه کرد. در قسمتی از این عهدنامه که از سوی مأمون نوشته شده، آمده است: «برای رسیدن به انتخاب ولی عهد، شب و روز به پیشگاه خدا مناجات کردم و از او خواستم در انتخاب ولی عهد کسی را الهام فرماید که خشنودی و طاعت خدا در آن باشد. به همین دلیل در افراد خاندان خود و علی بن ابی طالب با دقت نظر کردم و کسی را جز علی بن موسی نیافتم که برای این مقام لایق‌تر باشد.» این عهدنامه در روز دوشنبه، هفتم رمضان سال ۲۰۱ نوشته شد.

مناظرات علمی

مأمون پس از تحمیل مقام ولایتعهدی به امام رضا علیه‌السلام، جلسات گسترده بحث و مناظره تشکیل می‌داد و دانشمندان بزرگ را به این جلسات دعوت می‌کرد. اگرچه منظور از این جلسات در ظاهر اثبات مقام والای امام هشتم در رشته‌های گوناگون علوم بود، در زیر پوشش ظاهری اهداف و مقاصد پلیدی دنبال می‌شد. مأمون می‌خواست مقام والای امام هشتم را تنها در بعد علمی منحصر کرده و به تدریج آن حضرت را از مسائل سیاسی کنار بزند و شعار جدایی دین از سیاست را عملی سازد. او مایل بود مسئله مناظره امام با علمای بزرگ زمان خود، نقل محافل و مجالس شود و همه علاقه‌مندان و عاشقان مکتب اهل بیت در جلسات خود به این مسائل بپردازند و از پیروزی‌های امام در این مباحث سخن بگویند تا مأمون کارهای سیاسی خود را با خیال راحت دنبال کرده، آن را پوششی بر نقاط ضعف حکومت خود قرار دهد.

قیام‌ها

در عصر امام رضا علیه‌السلام، قیام‌های فراوانی از سوی علویان بر ضد دستگاه عباسی شکل گرفت. علت این انقلاب‌ها و قیام‌ها، ظلم و فساد بی پایان خلفای عباسی به مردم و علویان بود. افزون بر این که آنان معتقد بودند رهبری جامعه اسلامی حق علویان است و عباسیان غاصبان خلافت اند. برخی از این قیام‌ها عبارت است از: ۱. قیام ابو السرایا: وی از نوادگان امام حسن مجتبی علیه‌السلام است که یکی از گسترده‌ترین انقلاب‌های عصر خود را رهبری می‌کرد. مرکز قیام ایشان کوفه بود. در این قیام دویست هزار تن از یاران خلیفه به دست انقلابیون کشته شدند. ۲. قیام ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه‌السلام که در یمن انجام شد. ۳. قیام محمد بن سلیمان، از نوادگان امام حسین علیه‌السلام که در شهر مدینه قیام مردم را رهبری می‌کرد. ۴. قیام محمد دیباج، فرزند امام صادق علیه‌السلام و عموی امام رضا علیه‌السلام که در مکه و نواحی حجاز رخ داد.

شاگردان

امام رضا علیه‌السلام در مدت بیست ساله امامت خود، شاگردان بسیاری را تربیت کرد و آن‌ها را به سر منزل کمال رساند. در منابع اسلامی، اصحاب و شاگردان حضرت بیش از سیصد نفر ذکر شده که برای نمونه، به چند از آنان اشاره می‌کنیم: ۱. احمد بن محمد بزَظی کوفی که از افراد مورد اعتماد و اطمینان و از راویان احادیث اهل بیت است وی از محضر امام کاظم علیه‌السلام و امام رضا علیه‌السلام کسب فیض نمود و کتابی در معارف اسلامی نوشت. بزَظی در سال ۲۲۱ قمری از دنیا رفت. ۲. احمد بن محمد اشعری قمی که از مفاخر و بزرگان فقهای قم بوده، از محضر امام رضا علیه‌السلام، امام جواد علیه‌السلام و امام هادی علیه‌السلام کسب فیض کرده است. ۳. زکریا بن آدم که از بزرگان امامیه به شمار می‌آید. در عظمت علمی او همین بس که امام رضا علیه‌السلام به علی بن مسیب فرمود: «هر زمان که به ما دسترسی نداشتی، مسائل و معارف خود را از زکریا بن آدم پیرس.» قبر پاک زکریا، در قبرستان شیخان شهر مقدس قم است.

آثار

وجود منبع علوم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و فیض ربوبی در شهر مدینه، باعث شد تا دانشمندان و بزرگان جهان اسلام از نقاط مختلف برای کسب فیض از محضر امام رضا علیه‌السلام به مدینه آمده و از علوم ایشان بهره‌مند شوند. ایشان در مدت امامت خود توانست آثار مهمی اعم از تفسیر قرآن، اخلاق، احکام اسلامی، پزشکی و ... از خود به یادگار بگذارد. امام رضا علیه‌السلام آثاری داشته‌اند که برخی از آنها عبارت است از: رساله‌ای در مورد حلال و حرام و واجب و مستحب که به درخواست مأمون خلیفه عباسی نوشته و برای او فرستاد؛ رساله‌ای در طب و مسائل مختلف پزشکی که حضرت، خواص دارویی گیاهان و انواع میوه‌ها را بیان فرموده است؛ رساله‌ای در علل و فلسفه احکام که در جواب پرسش‌های محمد بن سنان برای وی نوشت.

اوضاع فرهنگی

عصر امام رضا علیه‌السلام از نظر اعتقادی، فکری و فرهنگی، عصر آشفته‌ای بود. مکتب‌های فقهی و کلامی متعددی در متن جامعه حضور داشتند و هر کدام از آنها در ایجاد فساد عقیدتی در میان مردم تلاش می‌کردند و واقفیه، یکی از گروه‌های دامنه داری بود که به امامت امام رضا علیه‌السلام، اعتقادی نداشتند. آنها بر این باور بودند که امام کاظم علیه‌السلام، همان مهدی موعود بوده، از نظرها غایب شده است. سران این گروه منحرف، به خاطر مسائل مادی، حاضر شدند با دادن رشوه، مسئله امامت امام رضا علیه‌السلام را مسکوت بگذارند. فرقه‌های غلات، مفوضه، مُرجه، جبریون و اهل حدیث، از دیگر فرقه‌های اسلامی بودند که به ترویج افکار و اندیشه‌های خود می‌پرداختند. افزون بر فرقه‌های اسلامی، یهودیان، مسیحیان، مجوسیان و ستاره پرستان نیز با مطرح کردن شبهه‌های دینی، سعی می‌کردند مسلمانان را از دایره اسلام خارج کنند.

مسافر بغداد

پس از سپردن منصب ولایتعهدی به امام رضا علیه‌السلام مردم بغداد که مهم‌ترین سنگر و پناهگاه عباسیان بود، دست به آشوب و شورش همگانی زدند. آنان به خارج شدن خلافت از دست عباسیان و سپردن آن به دودمان حضرت زهرا علیهاالسلام معترض بودند و به همین دلیل، مأمون را از خلافت عزل و با ابراهیم بن مهدی معروف به ابن شکله، یکی از لجوج‌ترین دشمنان امام علی علیه‌السلام بیعت کردند وقتی این خبر به گوش خلیفه رسید، برای فرو نشانیدن شورش و خلاصی از محبوبیت روز افزون امام در خراسان، به حضرت دستور داد تا همراه لشکر به سوی بغداد حرکت کند. مأمون قصد داشت خودش در مرو باقی بماند. امام با درخواست مأمون مخالفت کرد و خلیفه مجبور شد همراه امام به سوی بغداد حرکت کند.

توطئه

مأمون به همراه امام رضا علیه‌السلام و فضل بن سهل وزیر ایرانی‌اش، با لشکر بزرگی از مرو حرکت و در مسیر راه به سرخس رسیدند. در آنجا مأمون برای از بین بردن امام و فضل نقشه کشیده بود. به همین دلیل از آن دو خواست تا همراه او به حمام سرخس بروند. مأمون می‌خواست نقشه شوم خود را به دست مردان مسلح خود عملی کند. امام رضا علیه‌السلام پیشنهاد مأمون را نپذیرفت و از قبول درخواست مکرر خلیفه سر باز زد. امام، حتی فضل بن سهل را نیز از این کار منع کرد ولی او به حرف حضرت گوش نداد. هنگامی که فضل وارد حمام شد، به دست نوکران مأمون به قتل رسید و امام رضا علیه‌السلام از این توطئه مأمون جان سالم به در برد.

هدیه به دوست

مُعَمَّر بن خَلَّاد می‌گوید: به سوی خراسان می‌رفتم که در بین راه، زَیَّان بن صلت به من گفت: دوست دارم وقتی به خراسان رسیدی، سلام مرا به امام رضا علیه‌السلام برسانی و از حضرت بخواهی یکی از پیراهن‌های خویش را با درهم‌هایی که به نام ایشان ضرب شده، به من ببخشد. معمر می‌گوید: همین که به محضر امام شرفیاب شدم، بی مقدمه فرمود: زیان کجاست؟ آیا دوست دارد با ما ملاقات کند و ما از پیراهن خود او را بپوشانیم و از درهم‌های خویش به او بدهیم؟ معمر می‌گوید: گفتم سبحان الله! قسم به خدا که من هنوز سؤالم را مطرح نکرده بودم. امام فرمودند: ای مُعَمَّر! مؤمن، صاحب توفیق است. برو و به زَیَّان بگو نزد ما بیاید. زَیَّان به محضر امام مشرف شد و یکی از پیراهن‌های حضرت را گرفت وقتی از خانه حضرت خارج می‌شد، از او پرسیدم: چه چیزی در دست داری؟ گفت: سی درهم.

خبر از سر درون

شخصی به نام ابوحامد می‌گوید: روزی به امام رضا علیه‌السلام نامه‌ای نوشته و از حضرت درخواست کردم در حقم دعا کند. حضرت در جواب نامه نوشت: برایت دعا کردم ولی نماز عصر خود را از وقت خود تأخیر نینداز و زکات اموالت را پرداخت کن وقتی نامه حضرت را خواندم، به خود آمده گفتم: من در نامه خود در مورد نماز عصر و زکات سؤالی نکرده و کسی جز از خدا از این مطالب آگاه نبود. من همواره نماز عصر را در لحظه‌های پایانی وقتش می‌خواندم و زکات اموال خود را هم مرتب نمی‌دادم.

نماز اول وقت

امام رضا علیه‌السلام و عمران صابی یکی از دانشمندان بزرگ عصر مأمون، در حضور خلیفه عباسی درباره توحید بحث می‌کردند. امام رضا علیه‌السلام با استدلال محکم، به شبهه‌های او پاسخ می‌داد. هر لحظه بحث و مناظره آن دو اوج می‌گرفت تا اینکه هنگام نماز ظهر فرا رسید. حضرت همان لحظه از جا برخاست و فرمود: وقت نماز فرا رسیده است. عمران که چنین انتظاری نداشت گفت: ای آقای من! ادامه بحث و پاسخ سؤال مرا قطع نکن، همانا دلم آتش گرفت. حضرت تحت تأثیر احساسات و عواطف او قرار نگرفت و با کمال قاطعیت فرمود: نماز را می‌خوانیم و دوباره باز می‌گردیم. حضرت با همراهان خود برخاسته نماز خواندند و سپس به مجلس مناظره باز گشت و به ادامه بحث پرداخت.

احترام به دوستان

یونس بن یعقوب، یکی از شاگردان امام صادق علیه‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام و از اهالی عراق بود که در سفر به مدینه منوره از دنیا رفت. هنگامی که حضرت رضا علیه‌السلام از وفات یونس آگاه شد، به پاس سابقه طولانی محبت او به اهل بیت، از او به نیکی یاد کرد و به سرپرست قبرستان بقیع پیام داد تا اجازه دهند یونس را در آنجا به خاک بسپارند. حضرت حنوط و کفن یونس را فرستاد و به شاگردان پدرش اعلام کرد که در تشییع جنازه او شرکت کنند. شخصی به نام علی بن الحسین می‌گوید: روزی در قبرستان بقیع کنار قبر یونس بن یعقوب رفتم. نگهبان قبرستان از من پرسید: صاحب این قبر کیست که ابوالحسن الرضا علیه‌السلام به من سفارش کرده تا چهل روز بر روی قبرش آب بپاشم. گفتم: این قبر یونس بن یعقوب، آزاد کرده امام صادق علیه‌السلام است.

جود و بخشش

امام رضا علیه‌السلام همانند پدران بزرگوار خود در آشکار و نهان، کمک‌های زیادی به مستمندان و نیازمندان می‌نمود و برای حل مشکلات آنان از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. روزی شخصی خدمت امام رضا علیه‌السلام رفت و گفت: ای فرزند رسول خدا! به اندازه جوان مردی خویش به من عطا کن و کمکی به من برسان. حضرت فرمودند: ای مرد! چنین توانی ندارم که به اندازه جوان مردی خودم انفاق کنم. او گفت: پس به اندازه جوان مردی من کمک کن. حضرت به غلام خود فرمود: دو هزار دینار به او بده. در قضیه‌ای دیگر، حضرت تمام اموال خود را در روز عرفه بین مردم تقسیم کرد. فضل بن سهل که شاهد ماجرا بود به حضرتش اعتراض کرد و گفت: ای ابوالحسن! این کار خسارت بزرگی است. حضرت فرمودند: بلکه این کار غنیمت است؛ هرگز بخشش آنچه را در برابر آن به اجر و کرم الهی می‌رسم خسارت نمی‌دانم.

همسفره غلامان

روزی امام رضا علیه‌السلام با غلامان خود که بعضی از آنان سیاه پوست بودند، سر یک سفره غذا می‌خوردند. در این هنگام مردی از شیعیان بلخ وارد شد و حضرت را به آن حال مشاهده کرد. پس رو به حضرت کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا! برای شما شایسته نیست با غلامان هم غذا شده و بر یک سفره بنشینید. حضرت در جواب او فرمودند: «به درستی که خدای ما یکی است و همه ما از یک پدر و مادر (آدم و حوا) هستیم. پاداش و جزا هم برای اعمال انسان هاست. علاوه بر این که غذا خوردن با غلامان علامت تواضع و فروتنی است.» بعد امام دوباره مشغول خوردن غذا شد و به همراه آنان از سفره کنار رفت.

فروتنی

روزی حضرت رضا علیه‌السلام وارد حمام عمومی شد و برای شست و شو در جایی نشست. مردی که حضرت را نمی‌شناخت رو به امام کرد و از ایشان خواست تا پشت او را کیسه بکشد و بر روی او آب بریزد. حضرت شروع به کیسه کشی و نظافت بدن او کرد. شخصی از راه رسید و امام رضا علیه‌السلام را در حال شستن بدن مرد دید. با دیدن این منظره، ناراحت شد و به سوی مرد آمده و گفت: آیا این مرد کیسه کش را می‌شناسی؟ گفت: ایشان علی بن موسی علیه‌السلام است. مرد با شنیدن این حرف ناراحت شد و از جای خود برخاست و از حضرت معذرت خواهی کرد ولی حضرت با کمال مهربانی و فروتنی او را دلداری داد.

پرداخت بدهکاری

یکی از ساکنان مدینه می‌گوید: امام رضا علیه‌السلام به دستور مأمون عباسی از مدینه به سوی خراسان رفت. من چهار هزار درهم از

آن حضرت طلب داشتم که فقط من و آن حضرت از آن باخبر بودیم. فردای آن روز امام جواد علیه‌السلام کسی را فرستاد که به نزد ایشان بروم. من به خانه حضرت جواد علیه‌السلام رفتم. با دیدن من فرمود: پدرم از مدینه رفته است، آیا تو چهار هزار درهم از ایشان طلب داری؟ گفتم: آری ای فرزند رسول خدا. حضرت گوشه جانماز را بلند کرد، دیدم مقداری دینار در آنجاست. حضرت آن‌ها را که قیمت روز آن چهار هزار درهم بود، بابت طلبکاری ام به من داد.

نماز باران

در یکی از سال‌های ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام، خشکسالی خراسان را فراگرفت. منافقان از این فرصت استفاده کرده، این حادثه را به بد قدمی امام تعبیر کردند. در چنین موقعیتی، مأمون از امام درخواست کرد نماز باران بخواند. حضرت دستور داد مردم سه روز روزه بگیرند و در روز سوم که مصادف با روز دوشنبه بود، به همراه جمعیت زیادی به بیابان رفت. امام رضا علیه‌السلام بعد از راز و نیاز، دستان خود را به سوی خالق بی نیاز بالا گرفت و فرمود: «بار پروردگارا! تو حق ما اهل بیت را بر مردم بزرگ و با اهمیت شمرده‌ای و همان گونه که دستور داده‌ای به ما متوسل شده و به فضل و رحمت تو امیدوار هستند و چشم به احسان و نعمت تو دارند. پروردگارا! باران رحمت خود را بر آنان نازل فرما.» بعد از دعای امام رضا علیه‌السلام به یک باره آسمان دگرگون شد و باران بسیاری بارید و همه جا از رحمت بی پایان الهی سیراب گردید.

رهیافته

عبدالله بن مُعِیرَة عراقی می‌گوید: من واقفی مذهب و معتقد بودم که بعد از امام کاظم علیه‌السلام امامی نیست. در یکی از سال‌ها برای انجام مراسم حج به مکه رفتم. در آنجا در مورد مذهب خود دچار شک و تردید شده، خود را کنار خانه خدا رساندم و به دیوار کعبه چنگ زدم. از خداوند بزرگ خواستم مرا به بهترین دین خود راهنمایی کند. در همانجا به قلبم خطور کرد که بعد از مراسم حج، به محضر امام رضا علیه‌السلام رفته و او را زیارت کنم. به قصد مدینه از مکه حرکت کردم و به منزل حضرت رسیدم. به خادم ایشان گفتم به حضرت اطلاع دهد مردی عراقی به در خانه آمده و منتظر اجازه ایشان است. در همین لحظه صدای امام رضا علیه‌السلام را شنیدم که دوبار مرا صدا کرد و فرمود: «ای عبدالله بن مُعِیرَة وارد خانه شو» وارد خانه حضرت شدم. هنگامی که حضرت به چهره من نگاه کرد فرمود: «خداوند دعایت را مستجاب کرد و تو را به دین خود هدایت فرمود.» در همان لحظه به ولایت و امامت امام رضا علیه‌السلام شهادت دادم و بعد از چند روزی به عراق برگشتم.

مقام امامت

حضرت امام رضا علیه‌السلام در سخنانی می‌فرماید: «امام، خورشید تابانی است که جهانی را نورانی کرده و در افقی است که دست‌ها و دیده بدان نمی‌رسد. امام ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور طلوع کننده و ستاره راهنما در تاریکی‌های شب است. امام ابری باران‌زا، آسمانی سایه بخش، زمینی هموار و چشمه‌ای جوشان است. امام، پدری مهربان، همانند مادری دل سوز و پناه بنده‌های خداست.» امام رضا علیه‌السلام در بیان امامت و ولایت حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌فرماید: «حضرت ابراهیم پس از این که به مقام امامت مفتخر شد، از درگاه خداوند آرزو کرد نسل او نیز از این افتخار بهره‌مند شوند. خداوند در پاسخ او فرمود: «امامت، عهد و پیمان الهی است که ظالمان و تبهکاران شایسته آن نیستند.» خداوند با این بیان، امامت و رهبری هر انسان ظالم و گنهکاری را تا روز قیامت باطل کرده است.

خمس

یکی از دستوره‌های مالی برای مسلمانان، پرداخت یک پنجم از مازاد درآمد سال است که خمس نامیده می‌شود. در زمان غیبت امام زمان علیه‌السلام، فقهای جامع شرایط، عهده دار مصرف خمس هستند. گروهی از مردم خراسان به حضور امام رضا علیه‌السلام رسیده و از حضرت خواستند آن‌ها را از پرداخت خمس معاف داشته و خمس اموالشان را به آنان ببخشند. حضرت که می‌دانست آنان شایسته بخشش نیستند و با نیرنگ می‌خواهند این وظیفه الهی را ترک کنند، به آن‌ها فرمود: «این چه نیرنگی است که به کار می‌برید؟ شما با زبان خود به ما اظهار اخلاص و دوستی می‌کنید ولی از حقی که خداوند آن را برای ما قرار داده کوتاهی می‌نمایید.» حضرت در ادامه سخنان خود فرمود: «حلال نمی‌کنیم، حلال نمی‌کنیم، حلال نمی‌کنیم.» همچنین آن حضرت در بیان فضیلت و آثار و برکات خمس می‌فرماید: «خمس، مایه کمک به دین ماست.»

زکات

زکات، یکی از واجبات الهی و از منابع اقتصادی حکومت اسلامی است که نقش فراوانی در گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی داشته، می‌تواند حکومت را برای برطرف سازی شکاف طبقاتی یاری دهد. زکات هزینه‌ای است که افراد دارای شرایط، باید برای برخی از کالاهای زندگی خود پرداخت کنند. پیشوای هشتم امام رضا علیه‌السلام در مورد آثار و برکات پرداخت زکات می‌فرماید: «اگر مردم زکات و حقوق مالی خود را بپردازند، هیچ فقیری پیدا نمی‌شود. خداوند زکات را برای تأمین زندگی نیازمندان و در امان ماندن اموال ثروتمندان واجب کرد. خداوند کسانی را که از نعمت سلامت برخوردارند، موظف کرد تا برای رفع نیازهای بیچارگان و مبتلایان آماده باشند و به آنان کمک کنند. بدانید که زیاد شدن اموال، ایجاد محبت و مهربانی در میان طبقات مختلف مردم و تأمین آبرومندانه نیازهای درماندگان، از آثار و برکات پرداخت زکات است.»

صله رحم

در مجموعه رهنمودهای اسلام، خدمت به خویشاوندان و محبت به آنان اهمیت زیادی دارد. فلسفه پافشاری دین اسلام به صله رحم و نهی از قطع رحم این است که اگر تمام مردم در مورد اطرافیان و اقوام خود احساس وظیفه کنند، هیچ فردی در جامعه انسانی از نگاه محبت و رسیدگی اجتماعی محروم نمی‌ماند و بیشتر معضلات اجتماعی حل می‌شود. امام رضا علیه‌السلام در مورد آثار و فواید صله رحم می‌فرماید: «کسی که دوست دارد روزگار درازی را در دنیا زندگی کرده و رزق و روزی او زیاد شود، صله رحم کند.» در مقابل، قطع رحم باعث کوتاهی عمر و از بین رفتن نعمت‌ها می‌شود.

گناه

بیشتر بدبختی‌هایی که دامن گیر افراد می‌شود، معلول آلودگی به انواع گناهان است. همان گونه که فرد سالم در اثر رعایت نکردن بهداشت فردی و اجتماعی به انواع بیماری دچار می‌شود، فرد گنهکار نیز به سبب تخلف از آموزه‌های انسان ساز دین، به انواع بلاها و گرفتاری‌های دنیوی و اخروی می‌افتد. پیشوایان بزرگ ما، در سخنان خود، کیفرها و آثار گناهان را گوشزد کرده‌اند تا مسلمانان را از سقوط در گرداب هلاکت بازدارند. امام رضا علیه‌السلام در یکی از سخنان ارزشمند خود در مورد آثار گناه می‌فرماید: «هر چه مردم گناهان جدید و تازه‌ای مرتکب می‌شوند که پیش‌تر انجام نمی‌شد، خداوند هم بلاهای جدیدی بر آنان می‌فرستد و آن‌ها را بدان مبتلا می‌کند.»

نهی از شراب

خداوند در قرآن کریم مردم را از استعمال مشروبات الکلی نهی کرده، نوشیدن آن‌ها را از گناهان کبیره بر می‌شمارد. در بعضی از سخنان اهل بیت علیهم‌السلام نیز شراب کلید تمام بدی‌ها و زشتی‌ها معرفی شده است. امام رضا علیه‌السلام فلسفه تحریم شراب را چنین بیان می‌کند: «خداوند خوردن شراب را ممنوع کرد؛ زیرا مایه فساد و تباهی جوامع انسانی و موجب از بین رفتن عقل آدمی است. شرابخواری، زمینه‌های انکار خداوند و بسیاری از کارهای زشت و ناپسند را فراهم کرده، انسان را در مقابل گناهان بی‌باک می‌کند.» امام در ادامه فرمود: «کسی که از شیعیان و پیروان مکتب ماست، باید از نوشیدن آن پرهیزد؛ زیرا شراب از نوشابه‌های دشمنان ماست و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند لباس دشمن مرا نپوشید و خوراک آنها را نخورید و راه دشمنان مرا نیمایید؛ زیرا در این صورت، جزء دشمنان من شمرده می‌شوید.»

پرهیز از تهمت

دین اسلام، حیثیت و آبروی افراد جامعه را بسیار محترم می‌داند. قرآن کریم نیز انسان‌ها را از افترا زدن به دیگران نهی کرده است. امام رضا علیه‌السلام در مذمت این عمل ناپسند اخلاقی که باعث لکه دار شدن حیثیت افراد و منزوی شدن و بی‌اعتباری اجتماعی آنان می‌شود، می‌فرماید: «کسی که به مرد یا زن مؤمنی تهمت زده، نسبتی ناروا یا چیزی که در او نیست به او نسبت دهد، خداوند متعال در روز قیامت او را بر کوهی از آتش نگاه خواهد داشت تا از عهده آنچه به مؤمن نسبت داده بر آید و روشن است که هیچ‌گاه از عهده این نسبت بر نخواهد آمد.»

نهی از رباخواری

ربا، باعث خارج شدن مال از مسیر اصلی خود که بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی مردم است می‌شود. در این صورت، ثروت هدف اصلی قرار گرفته و موجب بر باد رفتن نتایج تلاش‌های بیشتر مردم به نفع گروهی ثروتمند می‌شود. امام رضا علیه‌السلام در بیان آثار شوم رباخواری و ایجاد سلطه اقتصادی می‌فرماید: «معاملات رِبوی، اگر چه به صورت خرید و فروش باشد، موجب نکبت شده و به ضرر هر دو طرف می‌شود. ربا باعث از بین رفتن روابط پسندیده مردم و اموال آن‌ها می‌گردد. رواج ربا باعث تعطیلی کارهای خیر شده و قرض دادن به دیگران بدون توقع سود از میان مردم رخت بر می‌بندد.»

همنشین

امام رضا علیه‌السلام همانند پدران بزرگوار خود، توجه ویژه‌ای به حفاظت شیعیان از انحراف‌های فکری و عملی داشت. آن حضرت روزی به یکی از شاگردان خود به نام ابوهاشم جعفری فرمود: «چرا با عبدالرحمن بن یعقوب همنشینی می‌کنی؟» گفت: «عبدالرحمن دایی من است. حضرت فرمود: «او درباره ذات پروردگار مطالبی می‌گوید که ساحت مقدسش از این موارد پاک است. یا با او همنشین باش و ما را ترک کن و یا با ما نشست و برخاست کرده، او را از خود دور کن.» ابوهاشم گفت: عقاید و گفتار او چه آسیبی به من می‌زند، در حالی که من بر عقیده حق خود استوار بوده و از عقاید او دوری می‌کنم؟ حضرت فرمود: «آیا نمی‌ترسی که بلایی به او برسد و تو نیز به بلای او بسوزی؟ شخصی از یاران حضرت موسی علیه‌السلام پدرش از یاران فرعون بود. هنگامی که سپاه فرعون به سپاه حضرت موسی علیه‌السلام رسید، او نزد پدرش رفت تا او را اندرز دهد ولی وقتی عذاب بر سپاه فرعون نازل شد، او هم همراه پدرش غرق گردید. حضرت موسی علیه‌السلام فرمود: وقتی عذاب الهی فرود آید، از آن کس که

نزدیک گنهکار است دفاعی نخواهد شد.»

همسایه

یکی از حقوق اجتماعی انسان‌ها در مورد یکدیگر، حق همسایگی است. رعایت این حق بزرگ، در کنار حقوق دیگر، نقش به‌سزایی در سلامت و امنیت جامعه بشری دارد. به همین علت، دین اسلام که آخرین و کامل‌ترین دین الهی است، سفارش فراوانی درباره همسایگان کرده است. امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که همسایه او از شر و بلاهای او در امان نباشد، از ما نیست.»

آفرینش بهشت و جهنم

اباصلت هروی، صحابه بزرگوار امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: روزی در محضر امام بودم. از ایشان پرسیدم که آیا بهشت و جهنم هم اکنون وجود دارد یا اینکه خداوند آن دو را در آینده خلق می‌کند؟ حضرت فرمود: «آن دو هم اکنون وجود دارند. پیامبر اسلام زمانی که به معراج رفت وارد بهشت شد و جهنم را نیز دید.» پرسیدم: عده‌ای معتقدند که این دو مقدر شده ولی هنوز خلق نشده است؟ حضرت فرمود: «آنها که چنین می‌گویند، از ما نیستند و ما نیز از آنها نیستیم. هر کس خلقت بهشت و جهنم را انکار کند، پیامبر و ما را انکار کرده و جزء اهل ولایت ما محسوب نمی‌شود و برای همیشه در آتش دوزخ باقی خواهد ماند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: این جهنمی است که مجرمین آن را انکار می‌کنند. آنها بین جهنم و آبی داغ و سوزان در رفت و آمد هستند.»

لحظات وحشت

یاسر، خادم امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: از پیشوای هشتم شنیدم که فرمود: «ترسناک‌ترین لحظات برای آدمی سه جاست که انسان در آن از هر زمانی تنهاتر است. نخست: روزی که از شکم مادر به دنیا می‌آید و بزرگی آن را مشاهده می‌کند. دوم: روزی که از دنیا می‌رود و آخرت و اهل آن را می‌بیند. سوم: روزی که دوباره زنده می‌شود و چیزهایی را مشاهده می‌کند که در دنیا ندیده بود. خداوند در این سه لحظه بر حضرت یحیی علیه‌السلام درود و سلام فرستاد و ترس و وحشت او را فرو نشاند و فرمود: سلام بر او (یحیی) روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و آن روز که دوباره زنده می‌شود. حضرت عیسی علیه‌السلام نیز در این سه جا بر خود درود فرستاد و فرمود: سلام بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که دوباره زنده می‌شوم.»

خانواده

با توجه به نقش بسیار مهم خانواده در نظام آفرینش، اسلام به مسأله خانه و خانواده اهمیت فراوانی می‌دهد. نیز در مورد تکریم آن سفارش‌های فراوانی نموده، مردم را به ساختن خانواده‌ای نمونه ترغیب کرده است وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «نزدیک‌ترین شما به من از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که در مورد خانواده خود خوش رفتار باشد.» حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: «بهترین مردم از نظر ایمان کسی است که درباره خانواده خود نیکوکارتر باشد.» خوش رفتاری با خانواده، سخت‌گیری‌های بی‌مورد نکردن، تربیت صحیح فرزندان، تهیه غذای حلال و نیز ایجاد رفاه نسبی و در حد توان، از مصادیق نیکی به خانواده است.

پرسشگری

پرسش، نخستین پله نردبان هدایت و سرآغاز حرکت به آینده‌ای روشن و رسیدن به قله‌های بلند علم و پیشرفت و زندگی بهتر است. اهل بیت علیهم‌السلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تأملات علمی و پرسش‌های دینی را ارزش می‌دانستند و نادانی را به شدت مذمت می‌کردند. قرآن کریم، مردم را به پرسش و پژوهش در امر دین و دنیا ترغیب کرده و می‌فرماید: «اگر نمی‌دانید از اهل ذکر بپرسید.» امام رضا علیه‌السلام در بیان شیوایی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل می‌کند: «علم و دانش گنجینه‌هایی است که کلید آن پرسیدن است. خداوند شما را مورد لطف و رحمت خود قرار بدهد، بپرسید؛ زیرا در پرسش علمی چهار نفر پاداش می‌برد؛ سؤال کننده، معلم، شنونده و پاسخ دهنده.»

پیام رستگاری

عبدالعظیم حسنی، از شاگردان و یاران امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: علی بن موسی الرضا علیه‌السلام به من فرمود: «ای عبدالعظیم! سلام مرا به دوستانم برسان و به آن‌ها بگو: راه تسلط شیطان را بر خویش ببندند (وسوسه‌های شیطانی از خود دور کنند). آنها را از طرف من به راستگویی، امانت داری، سکوت، جدال و دعوا نکردن و ترک کردن هر آنچه برایشان فایده‌ای ندارد دستور بده. فرمان مرا به آنان برسان و بگو: به یکدیگر رو آورند و همدیگر را دیدار کنند؛ چرا که این کارها موجب نزدیکی آنان به من می‌شود. به آنان بگو: به آبروی یکدیگر احترام بگذارند و به رسوا کردن همدیگر مشغول نشوند. به جان خودم سوگند هر کس چنین کند و یکی از دوستان مرا خشمگین نماید از خدا می‌خواهم که او را در دنیا با شدیدترین عذاب‌ها کیفر داده و در آخرت هم از زیان کاران باشد.»

ارث زن

امام رضا علیه‌السلام در یکی از سخنان خویش، علت تفاوت زنان و مردان را در ارث، تقسیم وظایف اجتماعی متناسب با آن دانسته و می‌فرماید: «علت اینکه سهم زنان از میراث، نصف سهم مردان می‌باشد، این است که زن هنگامی که ازدواج می‌کند، مهریه‌ای می‌گیرد ولی مرد مهریه را پرداخت می‌کند. نفقه و مخارج زندگی زن بر عهده مرد است و دختر مجبور نیست از دارایی خود صرف زندگی کند و می‌تواند تمام میراث خود را پس انداز نماید ولی زمانی که پسر ازدواج کرد، مخارج همسر و فرزندانش را پرداخت کرده و میراث خود را به مصرف خانواده خود می‌رساند. بدین جهت است که خداوند سهم مردان را از ارث، بیش از زنان قرار داده و فرموده است: مردان نفقه دهنده زنان هستند، به آنچه خداوند ایشان را در ارث فزونی داده است.»

بهترین و بدترین زندگی

علی بن شعیب، یکی از شاگردان امام رضا علیه‌السلام می‌گوید: روزی خدمت امام رضا علیه‌السلام رسیدم. حضرت رو به من کرد و پرسید: «ای علی! چه کسی از نظر زندگی بهترین مردم است؟» گفتم: ای آقای من! شما به این مطلب داناترید. حضرت فرمود: «کسی که دیگران از زندگی او بهره‌مند شوند.» حضرت دوباره پرسید: «بدترین مردم از نظر زندگی کیست؟» گفتم: شما داناترید. حضرت فرمود: «بدترین مردم از نظر زندگی کسی است که مردم از زندگی او بهره‌مند نشوند. ای علی! قدر نعمت‌هایی را که در دست دارید بدانید و مطمئن نباشید که همیشه برای شما باقی خواهد ماند. اگر از دستتان رفت، چه بسا باز نگردد.»

آرزوهای پوچ

مأمون خلیفه عباسی به امام رضا علیه‌السلام نامه نوشت و از حضرتش درخواست نصیحت کرد. امام در جواب نامه خلیفه، اشعاری

بدین مضمون سرود و برای او فرستاد: «تو اکنون در خانه‌ای (دنیا) هستی که مدت ماندنت محدود است و در همین مدت کوتاه، عمل هر عمل کننده‌ای مورد قبول است. آیا نمی‌بینی که مرگ از هر سو این خانه را فرا گرفته است و آرزوهای آدمی را پی در پی به باد فنا می‌دهد. در این مدت کوتاه، سعی می‌کنی تا امیال نفسانی و شهوات خود را سیراب کرده و توبه و بازگشت به سوی خدا را به عقب انداخته و وعده آینده می‌دهی، در حالی که مرگ ناگهان فرا می‌رسد. اکنون، بیندیش که انسان عاقل چه می‌کند؟»

امام علیه‌السلام در کلام دیگران

اعتراف دشمن

اقرار و اعتراف دشمن، بهترین دلیل بر فضل و کمال آدمی است. روزی مأمون خلیفه عباسی از امام رضا علیه‌السلام پرسید: ای ابوالحسن! در بعضی از روایات آمده که جد شما علی بن ابی طالب علیه‌السلام تقسیم کننده بهشت و جهنم است. این کار چگونه ممکن است؟ حضرت فرمودند: «آیا حدیث ابن عباس را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشنیده‌ای که فرمود: دوستی علی، ایمان و دشمنی با علی کفر است؟» مأمون گفت: شنیده‌ام. حضرت فرمود: «پس علی است که بهشت و جهنم را تقسیم می‌کند (زیرا جایگاه مؤمن بهشت و جایگاه کافر جهنم است)». مأمون وقتی کلام حضرت را شنید گفت: شهادت می‌دهم که شما وارث علم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هستید. همچنین مأمون در جواب اعتراض بنی عباس به ولایتعهدی امام رضا علیه‌السلام نوشت: «اکنون کسی در روی زمین، به فضل و عفت و زهد و تقوا و خداشناسی او نمی‌رسد و هیچ کس همانند او مورد قبول عامه و خاصه نیست.»

امام جن و انس

حافظ حسین کربلایی تبریزی، از علمای قرن دهم و از بزرگان اهل سنت درباره وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام و امامت حضرت می‌گوید: «علی بن موسی الرضا علیه‌السلام، امام هشتم از ائمه دوازده گانه امامیه است که فضائل و کرامات بسیار زیادی دارد. او تنها امام امامیه (شیعه) نیست، بلکه امام جن و انس است.»

عجز زبان

ابونواس، شاعر نامدار عرب که اشعار بسیاری در زمینه‌های گوناگون از او به یادگار مانده و در عصر امام رضا علیه‌السلام می‌زیسته، سروده‌ای دارد که در نوع خود می‌تواند بهترین مدح و ستایش برای وجود مقدس امام رضا علیه‌السلام باشد. او می‌گوید: «به من می‌گویند که تو در فنون کلام، در میان تمام مردم یگانه دوران هستی، چرا مدح علی بن موسی الرضا را ترک کرده و در ستایش او شعر نمی‌گویی؟ من در جواب آنها گفتم: من قدرت ستایش امامی را که جبرئیل امین خدمتگزار پدرش بود، نداشتم. نه تنها من قدرت بر مدح او ندارم، بلکه فصیحان و ادیبان عرب نیز از مدح وی عاجز هستند. به همین علت، مدح او شایسته مقام هیچ شاعری نیست.»

کلام ماندگار

ایمان مؤمن کامل نیست، مگر اینکه سه خصلت در او باشد؛ خصلتی از پروردگار خود، خصلتی از پیامبر خدا و خصلتی از امام خود. همانند پروردگار خویش راز پوش بوده و اسرار دیگران را مخفی کند؛ همانند پیامبرش با مردم مدارا نماید؛ و مانند امام در

سختی‌ها شکبیا باشد. سکوت یکی از ابواب حکمت است. به راستی که سکوت، دوستی آورده و راهنمای هر خیر است. اظهار دوستی با مردم، نیمی از عقل است. خداوند سه چیز را دشمن می‌دارد: پرحرفی، تلف کردن مال، خواهش کردن زیاد از مردم. صله رحم کن اگرچه با جرعه آبی باشد. بهترین صله رحم، خودداری کردن از آزار و اذیت خویشان است. کسی که برای کسب روزی حلال کار می‌کند، مزدش از مجاهد در راه خدا بیشتر است.

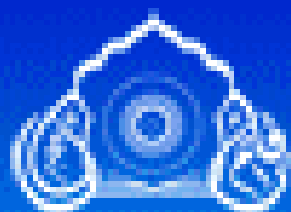
زیارت

زیارت، دیداری است مشتاقانه در پیشگاه آنکه دوستش داریم و بزرگش می‌شماریم. زیارت، برقرار کردن ارتباط قلبی با حجت خداست، قرار دادن خویشتن خویش در روحانیت اشراق ولی خدا، که واسطه فیض خداست. روز چهارشنبه، به چهار تن از معصومان از جمله امام رضا علیه‌السلام تعلق دارد. در قسمتی از زیارتنامه پیشوای هشتم آمده است: «سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای صدیق شهید. گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات را پرداختی، امر به معروف و نهی از منکر کردی و تا دم مرگ خدا را پرستیدی. پروردگارا! به واسطه محبت و ولایت ایشان به تو نزدیک می‌شوم و از هر گروهی غیر از ایشان بیزارم.»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه

www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر (تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) (طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

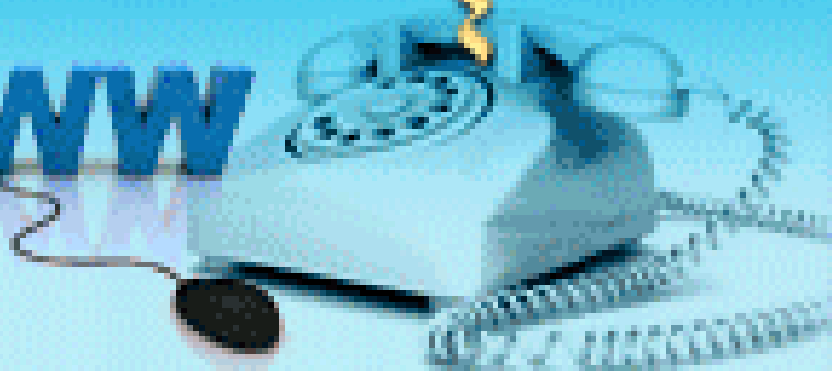


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

